



دانشگاه پیام نور

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

گروه زبان شناسی و زبانهای خارجی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته زبان شناسی همگانی

عنوان:

بررسی روابط انسجامی در دو سوره مبارکه مریم و لقمان

از قرآن کریم

نگارش:

سمیه بهرامی

استاد راهنما:

دکتر بلقیس روشن

استاد مشاور:

دکتر بهمن زندی

آبان ۱۳۸۸

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به پدرم و مادرم، ماه و خورشید آسمان زندگی ام. بانفس های شما همواره گرم و پر شورم.
برادر و همسر که تقدیم ستاره های آسمان زندگی من.
و تقدیم به تمامی مسلمانان جهان.

تقدیر و تشکر از:

استاد ارجمندم سرکار خانم دکتر بلقیس روشن که بدون راهبانی های ارزشمند ایشان تهیه این پایان نامه برایم میسر
نمیگشت. از ایشان با تمام وجود صمیمانه تشکر می نمایم.

استاد ارجمندم جناب آقای دکتر بهمن زندگی که به عنوان مشاور در تهیه این پایان نامه مراراً بهبانی فرمودند.

استاد ارجمندم جناب آقای دکتر مهدی سمانی که داور سی پایان نامه را بر عهده داشتند.

دانی و عمومی که انقدرم و تمامی عزیزانی که مراد تهیه این پایان نامه همراهی کردند و از پیچ کوششی دریغ نداشتند.

۱-۱- مقدمه:

قرآن مجید اقیانوس عظیمی است که هیچکس نمی‌تواند تمام ابعاد و زوایای آن را یکجا ببیند و مورد بحث قرار دهد چرا که هم از نظر عمق و هم از نظر وسعت و گستردگی پایان‌ناپذیر است. از دوران نزول قرآن تا کنون در حدود ۱۴ قرن است که دانشمندان و اندیشمندان با تخصص‌های مختلف در این اقیانوس عظیم علم و حقایق شناورند و هنوز ره به جایی نبرده‌اند، چرا که بررسی همه ابعاد و زوایای آن از توان یک و یا چند نفر و در یک و یا چند عصر خارج است.

قرآن مجید در مطالب خود اختصاص به امتی از امم مانند امت عرب یا طائفه‌ای از طوائف مانند مسلمانان ندارد، بلکه با طوائف خارج از اسلام سخن می‌گوید همانطور که با مسلمانان می‌گوید، این کتاب آسمانی با کفار، مشرکین، اهل کتاب، یهود و نصاری سخن می‌گوید و هرگز خطاب خود را مقید به عرب بودن آنان نمی‌کند.

(ان هو الا ذکر للعالمین^۱)

نیست قرآن مگر یادآوری برای همه جهانیان.

(و هذا کتاب انزلناه مبارک فاتبعوه).^۲

این، کتاب مبارکی است که برای شما انسانها نازل کرده‌ایم تا از آن پیروی کنید.

در این تحقیق روابط انسجامی^۳ در سوره مبارکه مریم با ۹۸ آیه و سوره مبارکه لقمان با ۳۴ آیه بر اساس چارچوب پیشنهادی هلیدی و حسن (۱۹۷۶) مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پایان هر کدام از عوامل انسجام دستوری^۴ شامل (ارجاع^۵، جانشینی^۶ و حذف^۷)، انسجام واژگانی^۸ شامل: (تکرار واژگانی^۹، هم‌معنایی^{۱۰}، هم‌آیی^{۱۱} و تضاد معنایی^{۱۲}) و انسجام پیوندی^{۱۳} شامل: (رابطه افزایشی^{۱۴}، رابطه زمانی^{۱۵}، رابطه سببی^{۱۶}، رابطه تباینی^۱ و رابطه شرطی) مشخص می‌شود، نمودار مربوطه ترسیم می‌گردد و با استفاده از T-test معنی‌داری تفاوت‌های بدست آمده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

^۱ -سوره ص آیه ۸۷.

^۲ -سوره انعام آیه ۱۵۵.

^۳ - cohesive relation
^۴ - grammatical cohesion
^۵ - reference
^۶ - substitution
^۷ - ellipsis
^۸ - lexical cohesion
^۹ - reiteration
^{۱۰} - synonym
^{۱۱} - collocation
^{۱۲} - opposition
^{۱۳} - conjunction cohesion
^{۱۴} - additive relation
^{۱۵} - temporal relation
^{۱۶} - causal relation

مخاطبان قرآن مجید عموم مردم هستند پس می توان از یک نظریه نوین زبان شناختی که مخاطب آن نیز مردم هستند بهره گرفت و به تحلیل متن آن پرداخت و با زبانی علمی انسجام آن را تایید کرد و خط بطلان بر نظریات قرآن پژوهان اروپایی چون گوستاولوبون، گلدزیهر، بلاشر، ریچارد بل، آرتور جان بری مبنی بر عدم انسجام قرآن مجید کشید و شاید بتوان تعریف ارائه شده از قرآن مجید در دائره المعارف بریتانیا را تصحیح کرد.

این تحقیق مشتمل بر ۵ فصل می باشد :

فصل اول: کلیات مربوط به طرح تحقیق. فصل دوم: مبانی نظری و پیشینه تحقیق. فصل سوم: روش تحقیق. فصل چهارم: تجزیه و تحلیل دو سوره مبارکه مریم و لقمان. فصل پنجم: بحث و بررسی، نتیجه گیری و پیشنهادات.

۱-۲- بیان مسئله و اهمیت آن:

شماری از خاورشناسان که در زمینه های علوم قرآنی تحقیقاتی انجام داده و در مورد قرآن مجید به قضاوت پرداخته اند، پراکندگی ظاهری آیات سوره ها را یکی از معایب و نواقص قرآن مجید بر شمرده اند. در **دائرة المعارف بریتانیا** ذیل عنوان قرآن آمده است:

سوره های بلند قرآن مشتمل بر موضوعات مختلف و پراکنده ای است. پراکنده گی مطالب این احساس را به خواننده می دهد که آیات سوره ها بی هیچ برنامه و نقشی حساب شده ای در یک جا جمع شده اند (خامه گر، ۱۳۸۲: ۳۲).

گوستاولوبون علت اصلی بی نظمی های موجود در بین سور و آیات قرآنی را درس ناخواندگی پیامبر می داند. گروه دیگری از مستشرقان که گسیختگی آیات را برای فهم صحیح مفاهیم قرآنی مضر دانسته اند، پیشنهاداتی برای جابجایی آیات داده اند من جمله بلاشر (همان).

گلدزیهر، مستشرق مجارستانی پا را فراتر گذاشته و با اشاره به مشکلاتی که بی نظمی آیات قرآن مجید پدید آورده اند، بر تنظیم قرآن به سبک جدید تأکید کرده است (همان).

ریچارد بل یکی از سختکوش ترین قرآن شناسان اروپایی است که ترجمه تفسیری از قرآن به انگلیسی به عمل آورده است و از ناپیوستگی قرآن سخن به عمل آورده است و برای آن دلیلی تاریخی ذکر کرده است. نامبرده در مقدمه ترجمه خود بر قرآن می نویسد: یکی از ویژگی های اصیل سبک قرآن این است که جسته جسته است و به ندرت می توان در طول بخش عمده ای از یک سوره اتساق و انسجام معنایی مشاهده کرد (خرمشاهی، ۱۳۶۲: ۹).

¹ - adversative relation

آرتور آربری از اسلام شناسان معروف انگلیسی است که به زبان عربی و فارسی تسلط داشته و ترجمه‌ای کلاسیک از قرآن به دست داده است. وی در مقدمه این ترجمه نیز تحلیلی از ناپیوستگی‌های قرآن به دست داده و می‌نویسد: قرآن از هر انسجامی که مربوط به ترتیب نزول باشد و نیز از انسجام منطقی بسی دور است (همان).

فریتوف شوآن یکی دیگر از همین مستشرقان است. وی در کتاب فهم حقایق اسلام درباره اسلوب قرآن می‌نویسد: اگر از بیرون به قرآن نگریسته شود این کتاب تقریباً به جز ربع آخرش که شیوه‌ای به شدت شاعرانه است- هر چند شعر نیست- مجموعه‌ای از اقوال یا قصص است که کم یا بیش بی‌ارتباط و بی‌انسجام و در بعضی موارد نامفهوم می‌نماید (همان: ۱۷).

طه حسین یکی دیگر از روشنفکران و نویسندگان معاصر عرب در زمینه ناپیوستگی و فقدان انسجام ظاهری قرآن می‌نویسد: موضوع‌های سوره بقره بسیار فراوان و از هم بیگانه‌اند، در این سوره موضوعات بسیار فراوان و نامتلاطم پی در پی ظاهر می‌شود (همان: ۶).

دانشمندان اسلامی در پنجاه سال اخیر تلاش مجددی برای نشان دادن ساختار منطقی و منظم سوره‌های قرآن مجید آغاز کرده‌اند. تجزیه و تحلیل متن قرآن مجید در چارچوب نظریه‌های نوین در خصوص تحلیل متن می‌تواند انسجام متنی قرآن را محک زده و به صورت علمی پاسخگوی ایرادات مبتنی بر عدم انسجام در قرآن باشد.

چه قابلیت‌هایی در متن^۱ باعث می‌شود که آن متن برای خواننده آن معنی‌دار جلوه کند و نبود آنها متن را بی‌معنی سازد؟ آیا صرفاً این قابلیت در دستوری بودن جملات نهفته است؟ هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۵) این قابلیت‌ها را روابط انسجامی می‌نامند. و آنها را این گونه معرفی می‌نمایند: ارجاع، جانشینی، حذف، روابط واژگانی و روابط پیوندی. این ابزارها همان قالب‌ها و وصل‌هایی هستند که وظیفه به هم پیوستن اجزای درونی متون زبان را به قصد ارائه پیام^۲ و مفهوم در کمترین واژگان^۳ و مطابق اصل کم‌کوشی^۴ در گفتار و نوشتار را برعهده دارند.

با توجه به آنچه گفته شد اکنون فرض بر آن است که در هر متنی روابط انسجامی حضور دارد و این روابط باعث می‌شود تا متن یکپارچه و منسجم به نظر آید. این روابط باعث می‌شوند تا خواننده با خواندن جملات بتواند بین آنها ارتباط برقرار کند و مفهوم را دریابد.

در این پایان نامه سعی بر آن است روابط انسجامی در دو سوره مبارکه مریم و لقمان از قرآن مجید مورد بحث و بررسی قرار گیرد:

¹ -text

³ -minimal effort principle

³ -vocabulary

سوره مبارکه مریم به ترتیب جمع آوری در قرآن نوزدهمین سوره‌ای است که در قرآن مجید تدوین شده است و به ترتیب نزول چهل و چهارمین سوره قرآن است. این سوره دارای ۹۸ آیه است و با «کهیص» آغاز می‌شود (هاشم زاده، ۱۳۷۳: ۲۳۷).

این سوره نکات و مطالب بسیار عالی و آموزنده و داستانهای زیبا و عبرت انگیزی را در بردارد که بخشی از آنها عبارت است از:

۱- داستان پیامبر خدا زکریا و فرزندش یحیی ۲- داستان حضرت مریم و ولادت حضرت عیسی ۳- یادی از پیامبران بزرگ خدا مانند: آدم، نوح، ابراهیم، اسماعیل، اسحاق، ادریس، یعقوب، موسی و هارون علیه السلام ۴- ترسیم سرنوشت دو گروه نیکان و بدکاران در روز قیامت ۵- احیای اموات در روز قیامت ۶- صفات جلال خدا ۷- مسئله شفاعت (همان: ۲۳۸).

سوره لقمان به ترتیب جمع آوری سی یکمین سوره است که در قرآن تدوین شده است و به ترتیب نزول پنجاه هفتمین سوره می‌باشد. این سوره دارای ۳۴ آیه می‌باشد و با آیه «الم» آغاز می‌گردد (همان: ۲۹۴).

مهمترین نکات آموزنده سوره لقمان به شرح زیر است:

۱- اشاره به عظمت و اهمیت قرآن ۲- شرح اعمال و صفات دو گروه نیکوکاران و بدکاران ۳- پرده برداری از نیروی جاذبه زمین ۴- مواعظ و نصایح آموزنده و حکمت آمیز لقمان نسبت به فرزندش ۵- حقوق والدین و لزوم اطاعت از فرمان آنها ۶- ترسیمی از وسعت جهان آفرینش ۷- ارائه آیات و نشانه های توحید و خداشناسی ۸- احوال و اوضاع دهشت انگیز قیامت ۹- توضیح ۵ علم از علوم اختصاصی خداوند (همان: ۲۹۶).

۱-۳- اهداف پژوهش:

- ۱- تأیید غلط بودن این فرضیه که قرآن از انسجام درونی لازم برخوردار نیست.
 - ۲- استفاده از روابط انسجامی در تحلیل و فهم صحیح از قرآن.
 - ۳- مطالعه عناصر انسجامی تأثیرگذار در روند تفسیر و فهم قرآن مجید.
 - ۴- بررسی میزان بسامد وقوع انواع انسجام در دو سوره مبارکه مریم و لقمان.
 - ۵- یافتن الگوی انسجامی دو سوره مبارکه مریم و لقمان و مقایسه روابط انسجامی این دو سوره.
- امید است دانشگاه ها، مولفان کتب قرآنی و موسسات علوم قرآنی از نتایج این تحقیق بهره مند گردند.

۱-۴- پرسش های پژوهش:

- ۱- آیا عوامل و روابط انسجامی معرفی شده از سوی هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در دو سوره مبارکه مریم و لقمان جود دارند؟
- ۲- آیا در دو سوره مبارکه مریم و لقمان روابط انسجامی به یک میزان به کار رفته‌اند؟
- ۳- کدامیک از روابط انسجامی در انسجام بخشیدن به این دو سوره نقش بیشتری ایفا می‌کند و کدامیک نقش کمتری ایفا می‌کند؟
- ۴- آیا بدون بهره‌گیری از روابط انسجامی، می‌توان درک، ترجمه و تفسیر صحیحی از قرآن مجید داشت؟

۱-۵- فرضیه‌های پژوهش :

- ۱- عوامل و روابط انسجامی معرفی شده از سوی هلیدی و حسن (۱۹۷۶) در دو سوره مبارکه مریم و لقمان وجود دارد.
- ۲- روابط انسجامی در دو سوره مبارکه مریم و لقمان به یک میزان به کار نرفته‌اند.
- ۳- عامل ارجاع شخصی کاربرد بیشتر و عامل جایگزینی کاربرد کمتری در انسجام بخشی به دو سوره مریم و لقمان دارند.
- ۴- روابط انسجامی در درک، ترجمه و تفسیر صحیح از قرآن مجید نقش بسزایی را ایفا می‌کنند.

۱-۶- روش پژوهش:

در این پژوهش مباحث مربوط به مبانی نظری و پیشینه تحقیق با رجوع به کتابخانه فراهم می‌آید. و تجزیه و تحلیل دو سوره مبارکه مریم و لقمان با استفاده از روش تحلیل محتوا صورت می‌پذیرد. پیکره تحقیق شامل ۲ سوره مبارکه مریم و لقمان می‌باشد که با استفاده از جدول اعداد تصادفی انتخاب شده‌اند.

بر اساس نظریه انسجام پیشنهاد شده توسط هلیدی و حسن (۱۹۷۶) کلیه عوامل انسجامی در تمامی آیات هر سوره بررسی می‌شود، میزان بسامد وقوع انواع انسجام در دو سوره بررسی می‌شود، آمار مربوط به انواع انسجام ارائه می‌گردد، نمودار مربوطه ترسیم می‌گردد، توصیف و تفسیر می‌شود و سپس با استفاده از T-test معنی‌داری تفاوت‌های بدست آمده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱-۷- محدودیت‌های پژوهش:

در این تحقیق با ۲ نوع محدودیت روبرو هستیم :

۱- انتخاب دو سوره از سوره های قرآن کریم و عدم انتخاب سوره های دیگر قرآن از محدودیت های تحت کنترل محقق می باشد.

۲- تحقیق حاضر از دیدگاه زبان شناسی کلان در حوزه زبان شناسی^۱ متن و از دیدگاه زبان شناسی خرد در حوزه تحلیل کلام^۲ قرار می گیرد و از آنجا که تنها به بررسی عوامل انسجامی در دو سوره مورد بحث می پردازد در برگیرنده تمامی حوزه های گفتمان نیست.

۱-۸- کلید واژها:

الف- قرآن مجید: حقیقت قرآن یعنی احکام، حقایق و معارفی که از جانب خداوند متعال ظاهر گشته، تجلی یافته و در قلوب مومنین و در صفحات خارجی ثبت و ضبط شده است و این تثبیت از جانب خدا صورت می پذیرد. اگر قرآن به مفهوم تفهم و ضبط از طرف بنده باشد، به معنای قرآن، اگر ظهور نیت باطنی مراد باشد، به معنای کلام و در صورتی که جدا کردن حق از باطل منظور باشد، در مفهوم فرقان معنی می شود (طباطبائی، ۱۳۶۳: ۲۰).

الف- زبان شناسی متن: مطالعه ویژگی های متون که موجب می شود نوشته ای را متن بنامیم در زبان شناسی متن صورت می گیرد. زبان شناسی متن به دنبال حل این مسئله است که متن چیست و چگونه تولید می شود و چگونه می توان آن را درک نمود. (crystal، ۲۰۰۳: ۳۸۷).

ب- متن: در زبان شناسی به گروهی از جملات متن گفته می شود که چه کتبی باشند و چه شفاهی چه کوتاه باشند و چه بلند، یک کل یکپارچه را تشکیل دهند (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۱).

ج- تحلیل گفتمان: مطالعه فرایند پویای شکل گیری ارزش پیامی عناصر زبانی در موقعیت های مختلف و تحت شرایط اجتماعی متفاوت و چگونگی تبلور و شکل بندی معنا و پیام واحد های زبانی را در ارتباط با عوامل درون زبانی و برون زبانی تحلیل گفتمان می نامند (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۱۰).

د- روابط انسجامی: انسجام^۳ یک مفهوم معنایی است که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می کند. هلیدی و حسن این روابط را به سه گروه دستوری، پیوندی و واژگانی در زبان انگلیسی تقسیم بندی کرده اند.

^۱ - text linguistics
^۲ - discourse analysis
^۳ - cohesion

ه- گره^۱: مجموع عنصر انسجامی و پیش فرض^۲ آن تشکیل یک گره را می دهند (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۴).

^۱ - tie
^۲ - presupposition

۲-۱- مقدمه:

در این فصل ابتدا به بررسی پاره‌ای از مفاهیم بنیادی پرداخته می‌شود. در بخش دوم مبانی نظری انسجام هلیدی و حسن (۱۹۷۶) به تصویر کشیده می‌شود و شاهد برگردان این نظریه به زبان عربی خواهیم بود. در پیشینه تحقیق مقالات، کتب و پایان‌نامه‌هایی که به موضوع انسجام پرداخته‌اند معرفی می‌شوند.

۲-۲- زبان شناسی متن:

مطالعه ویژگی‌های متون که موجب می‌شود نوشته‌ای را متن بنامیم در زبان شناسی متن صورت می‌گیرد (کریستال، ۲۰۰۳: ۳۸۷).

۲-۳- متن:

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۱) معتقدند متن ممکن است گفتاری و یا نوشتاری و با هر امتدادی باشد، به گفته آنها متن می‌تواند نظم، نثر، گفتگو، نمایشنامه، ضرب‌المثل و... باشد. متن یک واحد دستوری^۱ مانند جمله^۲ و یا جمله‌واره^۳ نیست بلکه یک واحد کاربردی صوری است، متن از جمله تشکیل نمی‌شود چرا که هر مجموعه‌ای از جملات را نمی‌توان متن به حساب آورد و جمله وسیله‌ای برای استنباط و کدگذاری متن است.

متن نوعی فرا جمله^۴ است و یک واحد دستوری نیست بلکه یک واحد معنایی تلقی می‌شود که دارای بافتار است و به عنوان یک کل با محیط ارتباط دارد، تعدادی جمله وابسته به هم است و از این طریق با جمله ارتباط پیدا می‌کند (همان: ۱۹۳).

یول و براون متن را تجلی کلام می‌دانند و خود اذعان می‌دارند منظور آنها ضبط لفظی یک عمل ارتباطی است. آنها معتقدند در مطالعات ادبی از متون نوشتاری بیشتر استفاده می‌شود در حالی که ابزار کار یک تحلیل‌گر کلام بیشتر متون شفاهی است که ثبت آن بوسیله ضبط صوت تحقق می‌پذیرد (۱۹۸۳: ۱۹۰).

ریچاردز و همکاران متن را یک قطعه نوشتاری و یا گفتاری می‌دانند. درک کامل متن اغلب بدون ارجاع به بافتی که در آن رخ داده است امکان پذیر نمی‌باشد. یک متن ممکن است تنها شامل یک کلمه باشد: خطر. و یا بسیار طولانی باشد مانند سخنرانی (۱۹۹۲: ۵۴۹).

¹ - grammatical unit

² - sentence

³ - clause

⁴ - super sentence

وندایک معتقد است: متن محصول کنش کلامی^۱ محسوب می شود به نظر وی گفتگو نوعاً شکلی از تعامل است که شامل کاربران یعنی هم گویندگان و هم دریافت کنندگان می شود (۱۹:۱۳۸۲). فصل مشترک تمامی این تعاریف آن است که متن تجلی کلام است، می تواند کوتاه باشد و یا بلند.

۲-۴- گفتمان^۲:

وندایک تئون گفتمان را همچون پدیده‌ای توصیف کرده است که ۳ جنبه اصلی دارد: کاربرد زبان، شناخت (شناخت فردی، اجتماعی و فرهنگی) و تعامل در بافت‌های اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۲: ۷۱). لطفی پور ساعدی سخن را فرایندی می داند که طی آن کلیه عوامل حاکم بر کاربرد زبان در بین انسانها شامل عوامل متنی اجتماعی، فرهنگی، بین شخصی و غیره برای تبلور و شکل‌گیری پیام به تعامل می‌پردازند (۱۱:۱۳۷۱). فصل مشترک تمامی این تعاریف آن است که گفتمان زبان در کاربرد است و با واحدی بزرگتر از جمله سر و کار دارد. جیمز پاول جی (۲۱:۱۹۹۹) به چندین نکته مهم پیرامون گفتمان اشاره می‌کند که به تعدادی از آنها در زیر اشاره می‌شود:

گفتمان واحدی با مرز مشخص نیست، می تواند به یک یا دو گفتمان تقسیم شود، یک یا دو گفتمان می تواند در یکدیگر آمیخته شود، گفتمان های امروزی شبیه گفتمان های گذشته نیستند، گفتمان‌های جدید پدید می آیند و گفتمان های قدیمی از بین می‌روند، گفتمان‌ها بر روی یکدیگر تأثیر می‌گذارند و گفتمان چیزی با مقیاس وسیع نیست آنها نامحدودند و راهی برای شمارش آنها نیست.

۲-۴-۱- تحلیل گفتمان:

تحلیل گفتمانی غالباً به مطالعه و بررسی آن دسته از کارکردها و تأثیرات زبان شناختی، معنا شناختی، نشانه شناختی، سبک شناختی و نحوی اطلاق می‌شود که توصیف و تشریح آنها مستلزم در نظر گرفتن توالی، ترادف و توارد جمله و همین طور ساختار جمله است (نوذری، ۱۳۸۰: ۱۷). لطفی پور ساعدی تحلیل گفتمان را بررسی چگونگی شکل بندی معنا در رابطه با عوامل درون زبانی و برون زبانی می‌داند که می‌کوشد تا نظام و آرایش فرا جمله ای عناصر زبانی را مورد مطالعه قرار دهد. بر

^۱ -verbal action

^۲ - discourse

این اساس تحلیل گفتمان با کاربرد زبان در بافت های اجتماعی و به ویژه با تعاملات و مکالمات بین گویشوران سرو کار دارد (۱۱:۱۳۷۱).

یول و براون معتقدند تحلیل گفتمان الزاماً به معنای تجزیه و تحلیل زبان در کاربرد آن است (۱:۱۹۸۳).

ریچاردز و همکاران تحلیل گفتمان را مطالعه این مسئله می دانند که چگونه جمله های زبان گفتاری و نوشتاری واحدهای معنایی بزرگتری نظیر پاراگرافها، مصاحبه ها و غیره را می سازند.

بنابراین تحلیل کلام موارد زیر را در بر می گیرد:

۱- چگونه حروف تعریف، ضمائر و زمانها بر ساختار سخن تأثیر می گذارند.

۲- رابطه بین پاره گفتارها در سخن.

۳- حرکت های ایجاد شده از سوی گوینده برای ارائه و معرفی عنوان جدید، تغییر عنوان و یا گرفتن نقش ارتباطی مهم تر نسبت به دیگر مشارکین در گفتگو (۱۶۱:۱۹۹۲).

تحلیل گفتمان در روش های تدریس زبان، مطالعات ترجمه و مطالعات سبک شناسی کاربرد می یابد (لطفی پور ساعدی، ۱۳۷۱: ۳۶).

۲-۴-۲- اصول تحلیل گفتمان:

علی رغم تنوع بسیار زیاد در رویکردها و روش ها حتی یک حوزه بینارشته ای مانند مطالعات گفتمانی معمولاً حاوی هنجارهایی است که غالب محققان برای آنکه بتوانند کار عملی خوبی در حوزه مربوطه انجام دهند باید آنها را رعایت کنند در اینجا به طور خلاصه این اصول از دیدگاه وندایک (۱۳۸۲: ۷۰-۶۵) مطرح می شوند:

۱- متن و گفتگوی طبیعی: شاید رایجترین مسئله در مطالعه گفتمان توجه تقریباً انحصاری به مطالعه متن و گفتگوهای طبیعی است که عملاً و به صورت طبیعی تولید می شوند، بر عکس عمده کارهای انجام شده در زبانشناسی صوری و فلسفی، تحلیل گفتمان از به کارگیری مثالهای ابداعی و ساختگی خودداری می کند.

۲- بافت: گفتمان ترجیحاً باید به مثابه بخشی جدایی ناپذیر از بافت موضعی و عام و اجتماعی و فرهنگی خود مورد مطالعه قرار گیرد.

۳- گفتمان به مثابه گفتگو: عمده مطالعات گفتمانی امروزی به سوی تحلیل تعامل کلامی در حال تکوین، چه به شکل گفتگوی غیر رسمی و چه به شکل دیگری همچون گفتگوهای رسمی یا اداری سوق پیدا کرده اند در واقع، گفتگو اغلب در مقام شکل پایه یا شکل اولیه گفتمان مورد بررسی قرار می گیرد.

۴- گفتمان به مثابه‌ی عمل اجتماعی اعضای گروه: کاربران زبان نه فقط به عنوان " فرد " بلکه به مثابه‌ی اعضای گروه‌ها، نهادها و فرهنگ‌های مختلف درگیر گفتمان می‌شوند. کاربران زبان می‌توانند از طریق گفتمان به تصدیق و یا مخالفت با نهادها و ساختارهای اصلی سیاسی و اجتماعی بپردازند.

۵- دسته‌بندی اعضاء: تحمیل نکردن مقوله‌ها و مفاهیم از پیش پنداشته شده تحلیل‌گر و محترم شمردن شیوه‌های تفسیر و دسته‌بندی خصوصیت‌های جهان اجتماعی، از جمله خصوصیت‌های خود گفتمان از سوی اعضای جامعه و شیوه‌های رفتار آنان به روالی معمول، به ویژه در تحلیل گفتمان، تبدیل شده است.

۶- توالی: تحقق گفتمان در تولید و فهم متن و گفتگو، عمدتاً خطی و زنجیره‌ای است. این امر بیش از هرچیز به معنای آن است که در همه سطوح، واحدهای ساختاری (جملات، گزاره‌ها، کنش‌ها) باید با توجه به واحدهای قبلی توصیف و یا تعبیر شوند.

۷- ساخت مندی: واحدهای تشکیل دهنده گفتمان را می‌توان به شکلی کارکردی، به مثابه اجزای واحدهای بزرگتری که ساختارهای پایگانی را بوجود می‌آورند مورد استفاده قرار داد، فهمید و به تجزیه و تحلیل‌شان پرداخت.

۸- سطوح و ابعاد: تحلیل‌گران گفتمان معمولاً گفتمان را به لایه‌ها، ابعاد و سطوح گوناگون تقسیم می‌کنند و در عین حال معتقدند که بین این سطوح رابطه‌ی متقابل وجود دارد. این سطوح نمایان‌گر پدیده‌های گوناگونی مانند آواها، شکل‌ها، معناها یا کنش‌ها هستند که در گفتمان وجود دارند. از سوی دیگر، کاربران زبان به طور هم‌زمان، و به نحوی راهبردی سطوح یا ابعاد متعدد گفتمان را هدایت می‌کنند.

۹- معنا و کارکرد: هم کاربران زبان و هم تحلیل‌گران گفتمان در جستجوی معنا هستند، آنها در جریان درک و تحلیل خود، سؤالاتی همچون: منظور او در اینجا چیست؟ یا چگونه این موضوع در چنین بافتی معنا می‌دهد؟ را طرح می‌کنند.

۱۰- قواعد: فرض بر آن است که زبان، ارتباط و همچنین گفتمان قاعده‌مند هستند. متن و گفتگو به مثابه تجلیات یا صورتهای متحقق قواعد دستوری، متنی، ارتباطی یا تعاملی به لحاظ اجتماعی مشترک مورد تحلیل قرار می‌گیرند. در عین حال مطالعه گفتمان روزمره بر چگونگی تخطی از این قواعد، نادیده ماندن یا تغییر آنها و این که کارکردهای گفتمانی یا بافتی این تخطی‌های ظاهری یا واقعی چیست متمرکز می‌شود.

۱۱- راهبردها: کاربران زبان برای فهم واقعی گفتمان و اجرای آن و نیز برای متحقق ساختن اهداف ارتباطی یا اجتماعی خود، باید علاوه بر دانستن قواعد، راهبردهای ذهنی و تعاملی مناسب را نیز بشناسند و آنها را به کار بندند.

۱۲- شناخت اجتماعی: نقش اساسی شناخت یابه بیان دیگر، نقش بازنمودها و فرایندهای ذهنی در تولید و فهم متن و گفتگو با آنکه کمتر مورد توجه واقع شده است اما اهمیت و موضوعیت آن کم نیست. تعداد بسیار معدودی از جنبه های گفتمان را می توان بدون توسل به ذهن کاربران زبان به درستی فهمید و توضیحشان داد. در واقع شناخت حد فاصل میان گفتمان و جامعه است.

۲-۴-۳- تمایز بین گفتمان و دستور^۱:

دستور به قواعدی اشاره دارد که هر زبان برای تشکیل واحدهای نحوی مانند بند، جمله وار، عبارت، جمله و..... از آن استفاده می کند ولی گفتمان به واحدهای وسیع تر زبانی نظیر پاراگرافها، مکالمات، گفتگوها، مصاحبه ها و سخنرانیها و نظایر آن اشاره دارد (نوذری، ۱۳۸۱: ۱۸).

۲-۴-۴- تمایز بین گفتمان و روایت:

گفتمان ماهیت خود را به مثابه نوعی تصریح یا اظهار علنی عرضه می دارد که واجد و متضمن رابطه بین گوینده/ نویسنده و شنونده/ خواننده است در مقابل روایت یا تاریخ با تأکید بر مورد اظهار شده ماهیت خود را پنهان می سازد (همان: ۲۰).

۲-۴-۵- تمایز گفتمان و متن:

گفتمان مجموعه عناصر، لوازم و شرایطی است که اگر گرد هم جمع آیند متن را بوجود می آورند، بنابراین گفتمان فرایند است و پدیده ای پویا می باشد و متن حاصل و نتیجه گفتمان است به عبارت دیگر گفتمان فرایند و متن فرآورده آن است، گفتمان پویا و متن ایستا است (صلح جو، ۱۳۷۷: ۸).

۲-۵- بافتار^۲:

به نظر هیلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۲) عاملی که متن را از یک دسته جملات غیر مرتبط متمایز می سازد بافتار است. هر نوشته ای که به عنوان یک متن تلقی شود باید دارای خصوصیات و ویژگی های زبان شناختی باشد که می تواند باعث یکپارچگی آنها شود و به آن متنیت^۳ دهد. هیلیدی و حسن با ارائه مثالی ساده از کتاب آشپزی بافتار را توضیح می دهند:

1-2-Wash and core six cooking apples .Put them in to a fire proof dish.

¹ - grammer

² - texture

³ -textuality

Them در جمله دوم به six cooking apples در جمله اول بر می‌گردد. ارجاع them به six cooking apples به دو جمله انسجام می‌بخشد به طوری که ما آنها را یکپارچه تلقی می‌کنیم و دو جمله با هم یک متن را تشکیل می‌دهند. رابطه انسجامی بین them و six cooking apples بافتار را به وجود می‌آورد.

۲-۶- بافت^۱:

بافت چیزی است که برای درک صحیح و اصولی یک رخداد، کنش یا گفتمان باید آن را بشناسیم، چیزی که به عنوان پشت صحنه، مکان، محیط، شرایط یا دلایل عمل می‌کند. بافت عواملی از قبیل مشارکین، نقش‌ها و مقاصدشان و نیز مشخصات فضا و صحنه، از جمله مشخصه‌های مکانی و زمانی، را در بر می‌گیرد. گفتمان با توجه به چنین مشخصه‌های بافتی تولید و درک می‌شود و مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. مشخصه‌های بافتی^۲ بر تولید و یا تفسیر ساختارهای گفتار یا نوشتار تأثیر می‌گذارند. در مجموع ما می‌توانیم بافت را ساختار آن مشخصه‌هایی از موقعیت اجتماعی بدانیم که به شکل نظام‌مند یعنی به شکل غیر اتفاقی به گفتمان مربوط می‌شوند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۹۷). بافت را در دو گونه بافت زبانی^۳ و بافت فیزیکی^۴ از یکدیگر متمایز می‌سازند:

۲-۶-۱- بافت زبانی:

بافت زبانی بر محیط زبانی یک واحد زبان، یعنی بر روابط دستوری و معنایی این واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار یا متن دلالت دارد. کلمه bank یک کلمه همنام^۵ است؛ یعنی یک صورت است با بیش از یک معنا، چگونه می‌توان فهمید که کدامیک از معنای آن در یک جمله خاص مورد نظر است؟ ما معمولاً این کار را بر اساس بافت زبانی می‌کنیم. اگر کلمه بانک همراه با کلمه‌هایی مثل steep یا overgrown به کار رود، برای تصمیم‌گیری در مورد معنای این «کلمه» با مشکلی مواجه نخواهیم شد. به همین ترتیب وقتی می‌شنویم، کسی می‌گوید «باید برای نقد کردن چک به bank رود»، بافت زبانی مشخص می‌کند که کدام «bank» مورد نظر است. (یول، ۱۹۹۶: ۱۴۶)

^۱ -context

^۲ -contextual feature

^۳ - linguistic context

^۴ - physical context

^۵ - homonymy

یول و براون تأکید بر قدرت همبافت^۱ در محدود کردن تفاسیر دارند، آنها معتقدند حتی در نبود اطلاعات در مورد زمان و مکان^۲ یک جمله و حتی در نبود اطلاعات در مورد گوینده و شنونده اغلب بازسازی مقداری از بافت فیزیکی و رسیدن به یک تفسیر امکان پذیر است. به طور کلی هر قدر همبافت بیشتری موجود باشد تفسیر به درستی نزدیکتر خواهد بود (یول و براون، ۱۹۸۳: ۵۰-۴۹).

۲-۶-۲- بافت فیزیکی:

بافت فیزیکی تمامی اشیاء و اعمال پیرامون گوینده و شنونده را به هنگام تولید واحد زبانی مورد بحث و نیز دانش مشترک گوینده و شنونده را در بر می گیرد. به طور کلی تر، می توانیم معنی کلمه ها را بر اساس بافت دیگری دریابیم که آن را بافت فیزیکی نامیده اند. اگر شما کلمه bank را روی دیوار یک ساختمان در شهر ببیند، جایگاه «فیزیکی» آن بر تعبیر شما اثر خواهد گذاشت. درک ما از بسیاری از چیزهایی که می خوانیم یا می شنویم، با زمان و مکان رویارویی با عبارتهای زبانی مرتبط است (یول، ۱۹۹۶: ۱۴۷).

۲-۷- پیوستگی^۳:

مفهوم پیوستگی در زبان نیست بلکه در خود مردم است. مردم هستند که در درک مطلبی که می خوانند یا می شنوند با مشکل روبرو می شوند. آنها سعی می کنند که به تعبیری برسند که با تجربیات آنها از جهان هستی هماهنگی داشته باشد. ما همواره در گفت و شنوهای با دیگران شرکت می کنیم و در این گفت و شنودها بساری از آنچه مورد نظر است بر زبان آورده نمی شود (همان: ۱۵۸).

مفهوم پیام زبانی تنها بواسطه کلمات و ساختار جمله منتقل نمی شود، علاوه بر انسجام مردم پیوستگی را نیز وارد تفسیر پیامهای زبانی می کنند. پیوستگی سبب پر شدن شکافها در متنی می شود که بین عوامل آن متن، ارتباط آشکاری دیده نمی شود.

در متن زیر ساختار متعارف جمله مشاهده نمی شود اما تمامی دانشجویان پیام آن را به راحتی در می یابند:

مثال ۲-۲- سمینار معرفت شناسی، پنج شنبه سوم ژوئن، ۲ بعد از ظهر

استیو هارلو، دانشکده زبانشناسی دانشگاه نیویورک

ساختار بند در ولش (یول و براون، ۱۹۸۳: ۲۲۳).

^۱ - co- text

^۲ - setting

^۳-coherence

۲-۸- گره:

به رابطه بین دو عنصر در متن اطلاق می‌گردد. یعنی ارتباط انسجامی بین دو عنصر در متن گره نامیده می‌شود و همین گره انسجامی بین دو عنصر است که انسجام متن را شکل می‌دهد. مفهوم گره این امکان را می‌دهد که متن را بر اساس ویژگی‌های انسجامی آن تحلیل کرد.

3-2- Wash and core six cooking apples. Put the apples in to a fireproof dish. (هلیدی و حسن، ۱۹۷۶: ۳)

در این مثال ۲ گره وجود دارد: (۱) رابطه ارجاعی بین «the» و «six cooking apples»، (۲) تکرار واژه «apples».

هلیدی و حسن (همان: ۳۳۱-۳۳۰) گره‌های انسجامی را به ۳ دسته تقسیم می‌کنند:

گره بی‌واسطه^۱: در این نوع از گره، پیش فرض عنصر انسجامی در جمله ماقبل قرار دارد.

گره با واسطه^۲: زمانی که ژیش فرض عنصر انسجامی به عنوان واسطه عمل می‌کند و خود پیش فرض دارد، به نحوی که بین عنصر انسجامی و پیش فرض اصلی چندین جمله فاصله بیفتد گره باواسطه نامیده می‌شود.

گره دوردست^۳: زمانی که بین عنصر انسجامی و پیش فرض آن چندین جمله فاصله باشد و پیش فرض میانجی نیز بین آنها وجود نداشته باشد گره دوردست نامیده می‌شود.

۲-۹- انسجام:

به اعتقاد ریچارد و همکاران (۱۹۹۲: ۶۰) انسجام رابطه‌ای دستوری یا واژگانی میان عناصر مختلف یک متن است. این رابطه می‌تواند بین جملات مختلف و یا بین اجزای مختلف از یک جمله وجود داشته باشد.

هلیدی و حسن (۱۹۷۶: ۴) انسجام را یک مفهوم معنایی می‌دانند که به روابط معنایی موجود در متن اشاره می‌کند. و آن را به عنوان یک متن مشخص می‌سازد. آنها ابزارهای انسجام متن را به ۳ دسته انسجام دستوری واژگانی و پیوندی تقسیم می‌کنند.

¹ - immediate tie

² - mediated tie

³ - remote tie

متون ساخت به خصوصی دارند و عوامل دخیل در ساخت آنها با عوامل مورد نیاز در ساخت یک جمله منفرد کاملاً متفاوتند. بعضی از این عوامل با ویژگی انسجام، یا پیوندها و روابطی که در متن وجود دارند توصیف می‌شوند.

در متن زیر برخی از پیوندهای انسجامی را می‌توان تشخیص داد:

4-2-My father once bought a Lincoln convertible. He did it by saving every penny he could. That car would be worth a fortune nowadays. However, he sold it to help pay for my college education. Sometimes I think I'd rather have the convertible.

در این متن، روابطی با استفاده از ضمائر به وجود آمده است. این ضمائر در سرتاسر نوشته به اشخاص و چیزهای ذکر شده اشاره دارند. مثل : - I - my-my; he- he- he- father ;it . روابط واژگانی هم مثل - that car - a Lincoln convertible-the convertible - در آن وجود دارد و در ضمن، روابط کلی‌تری نیز مشاهده می‌شوند که به وسیله تعدادی از کلمه‌های مشترک در یک عنصر معنایی به وجود آمده‌اند؛ مثل عنصر معنایی money در کلمه‌های a worth - penny - saving - bought و یا عنصر معنایی time در کلمه‌های once - nowadays . همچنین یک حرف ربط However هست که رابطه بین قبل و بعد از خود را نشان می‌دهد. تحلیل این پیوندهای منسجم در داخل یک متن، به ما این بینش را می‌دهد که چگونه نویسندگان مطالبی را که می‌خواهند بنویسند، تنظیم می‌کنند. این تحلیل می‌تواند عامل مهمی در قضاوت ما در مورد خوب یا بد نوشته شدن یک متن باشد. آیین‌های قراردادی ساخت منسجم، از زبانی به زبان دیگر فرق می‌کند و این می‌تواند یکی از عوامل مشکل آفرین در ترجمه متون باشد (یول، ۱۹۹۶: ۱۵۶).